Archive of SID

JSPPP, (14)67: 21-36, December 2021

Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose
(Bahar-e- Adab)
Home page: http://www.bahareadab.com

ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The narrative of the novel "Dancers" based on the view of Gerard Genet

M. Golshan, Sh. Ardalani*, S.J. Hamidi
Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 01 September 2020
Reviewed: 04 October 2020
Revised: 19 October 2020
Accepted: 03 December 2020

KEYWORDS
Narrative, Amon Faqiri, Dancers, Geragen

*Corresponding Author
✉ *sh ardalani_@ yahoo com*
☎ (+98 77) 33329145

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Stories and stories, which form a large part of the works, create different semantic methods and sciences in their structure. Among these sciences, "narratology" is a theory that uses structural methods and principles to organize the components of the story until it reaches the author's goal; Fiction, therefore, is a platform for the creation of new methods of extensive literature. Amin Faghiri, one of the leading writers in the field of Persian culture and literature, using a variety of narrative techniques in the novel Dancers, succeeded in creating a work that is useful in communicating with the audience. The reader accompanies the author in the study of these stories and the use of these tricks is considered as an indicator of the author's abilities. The purpose of this study is to investigate and analyze how to use different types of narratives based on the theory of narration techniques "Geragent" French theorist.

METHODOLOGY: This descriptive-analytical study examines a number of dancers' novel narratives based on the four topics of order, continuity, frequency and time, within the framework of narrative theory in the time of Gerard Genet.

FINDINGS: A poor person breaks the sequences of time using artistic techniques. Time-lapse in the novel "Dancers" is retrospective and by using descriptive pause tricks and creating a scene, it has slowed down the narrative time routine and its negative acceleration. These patterns of chronological apricot complicate the narrative, and this has added to the novel's appeal and richness.

CONCLUSION: In the novel "Dancers", this author narrates in a realistic way. Realism is the dominant element of his work, which apart from fictional elements has played a significant role in the process of his works to date. In this story, the narrator with the third point of view of the omniscient person, by confusing time in the narrative, associates the reader with a narration of people, places and events and shows the events. Using artistic techniques, he disrupts, delays, or speeds up sequence relationships.

DOI: 10.22034/bahareadab.2021.14.5494

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
16	0	0

www.SID.ir

Archive of SID

سبک شناسی نظم و نثر فارسی(بهار ادب)؛ آذر ۱۴۰۰، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۶۷، صص ۳۶-۲۱
DOI: 10.22034/bahareadab.2021.14.5494

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

مقاله پژوهشی

روایت‌شناسی رمان «رقصندگان» براساس دیدگاه ژرار ژنت

مریم گلشن، شمس‌الحاجیه اردلانی*، سیدجعفر حمیدی
گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: داستانها و قصص که بخش اعظمی از آثار را تشکیل میدهند، در ساختار خود شیوه‌ها و علوم مختلف معنایی را خلق میکنند. از میان این علوم «روایت‌شناسی» نظریه‌ای است که با روش و اصول ساختاری، اجزای قصه را تا رسیدن به مقصود نویسنده سامان میدهد؛ ازاینرو ادبیات داستانی، بستری برای خلق شیوه‌های نوین ادبیات گسترده است. امین فقیری از نویسندگان طرازاول عرصهٔ فرهنگ و ادب فارسی، با بکارگیری انواع شگردهایی روایی در رمان رقصندگان، موفق به خلق اثری شد که در برقرای ارتباط با مخاطب سودمند است. خواننده در مطالعهٔ این داستانها با نویسنده همراه میگردد و استفاده از این شگردها بعنوان شاخصی از توانمندیهای نویسنده محسوب میشود. هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل چگونگی کاربرد انواع روایت براساس نظریهٔ تکنیکهای روایت‌پردازی «ژرارژنت» نظریه‌پرداز فرانسوی است.

روش مطالعه: این پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی و با بررسی شماری از روایتهای رمان رقصندگان براساس چهار مبحث نظم، تداوم، بسامد و زمان، در چهارچوب نظریهٔ روایت در زمان ژرار ژنت است.

یافته‌ها: فقیری با استفاده از تکنیکهای هنری، روابط توالی زمان را درهم میریزد. زمان‌پریشی در رمان «رقصندگان» بصورت گذشته‌نگر است و با استفاده از شگردهای مکث توصیفی و ایجاد صحنه، باعث کند شدن روال زمان روایت و شتاب منفی آن گشته است. این الگوهای زمان‌پریشی روایت را پیچیده نموده است و این امر جذابیت و غنای رمان مذکور را بیشتر کرده است.

نتیجه‌گیری: این نویسنده، در رمان «رقصندگان» به شیوهٔ رئالیستی به بیان روایت میپردازد. واقع‌گرایی عنصر غالب کارهای اوست که جدای از عناصر داستانی نقش بسزایی در روند آثارش تا به امروز داشته است. در این داستان، راوی با دیدگاه سوم شخص دانای کل، با درهم ریختن زمان در روایت، خواننده را با روایتی از آدمها، مکانها و اتفاقها همراه میکند و رخدادها را به نمایش میگذارد. وی با استفاده از تکنیکهای هنری، روابط توالی داستان را درهم میریزد، به تأخیر می‌اندازد یا سرعت میبخشد.

تاریخ دریافت: ۱۱ شهریور ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۱۳ مهر ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۲۸ مهر ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۳ آذر ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:
روایت‌شناسی، امین فقیری، رقصندگان، ژرارژنت.

* نویسنده مسئول:
sh ardalani_@ yahoo com
(+۹۸ ۷۷) ۳۳۳۲۹۱۴۵

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

هر داستانی روایتی از رخدادهاست. رخدادها و وقایع، زندگی ما را نقش میدهند. انسان برای درک پیرامون خویش به روایت و شناخت داستان نیازمند است. روایتها به افراد یاری میرسانند تا تجربه‌های آیندهٔ خویش را در میان وقایع سامان دهند. روایت، توالی رویدادهایی است که بشکل غیرتصادفی و با پیوندی سببی و زمانی به هم اتصال یافته‌اند. درحقیقت «روایت‌شناسی، مجموعه‌ای از احکام کلی دربارهٔ ژانرهای روایی، نظامهای حاکم بر روایت (داستانگویی) و ساختار پیرنگ است» (نشانه‌شناسی کاربردی، سجودی: ص ۷۲).

امین فقیری، نویسندهٔ معاصر، متولد سال ۱۳۲۳ در شیراز، ازجمله نویسندگان معروف در حوزهٔ ادبیات داستانی بشمار میرود و حاصل تلاشهای او در این زمینه، کارنامهٔ پرباری از کتابهایی است که نوشته است. این نویسندهٔ پرکار در ادبیات داستانی معاصر، مجموعه داستانهای: تمام بارانهای دنیا، مویه‌های منتشر، کوچه‌باغهای اضطراب، کوفیان، سیری در جذبه و درد، سخن از جنگل سبز، پلنگهای کوهستان، زمستان پشت پنجره و رقصندگان را بنگارش درآورده است. موضوعات کتابهای وی عموماً متنوع و در جامعهٔ روستایی، آنهم با لحنی ساده و بسیار ملموس و محاوره‌ای (که یادآور شیوهٔ روایت نقالها و قصه‌گوهای قدیمی است) تا حدودی وی را از دیگر نویسندگان هم‌روزگارش متمایز ساخته و هر خواننده را متقاعد میکند که فقیری را نویسنده‌ای در اوج وقوع‌گویی بداند.

رمان *رقصندگان* ازجمله داستانهای اخلاقی آموزنده است. این پژوهش با هدف بررسی تکنیکهای روایت‌شناسی در رمان رقصندگان براساس نظریهٔ ژرارژنت انجام شده و با فرض بر اینکه امین فقیری در داستان بلند رقصندگان با استفاده از انواع فنون روایی از گزارشگری صرف فاصله گرفته است، بدنبال پاسخ برای این پرسش است که:

۱- تکنیکهای روایی در رمان رقصندگان چگونه در جذابیت و کشش داستان برای مخاطب مؤثر واقع شده‌اند؟

این پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی و با بررسی شماری از روایتهای رمان رقصندگان براساس چهار مبحث نظم، تداوم، بسامد و زمان، در چهارچوب نظریهٔ روایت در زمان ژرار ژنت است. در آغاز، این چهار مبحث، بمثابهٔ مبانی نظری تحقیق، تبیین میشود و سپس نمونه‌های فراوانی از رمان رقصندگان بررسی و ارزیابی میگردد.

ضرورت و سابقهٔ پژوهش

روایت‌شناسی، ساختارهای مشابه و یکسان و گاه تکراری روایتها را نشان میدهد. ساختارهای مشابه متن گاه از آشکاری بسیار ناپیداست و روایت‌شناسی میکوشد آنها را دربرابر مخاطب قرار دهد. در این پژوهش سعی بر این است که عناصر تکرارشوندهٔ روایت در رمان رقصندگان، به مخاطب معرفی شود و مخاطب را در تحلیل متونی که روایت ازطریق آنها بیان میشود، یاری رساند. تاکنون پژوهشهای گوناگونی در مورد روایت‌شناسی صورت گرفته؛ اما جنبه‌های روایی ساختار در هیچ یافته‌ای از آثار فقیری تحلیل نشده است؛ بنابراین بررسی این داستان از منظر روایت‌شناسی گامی نو در بیان داستانهایی روایی است که بستر رشد بیشتر علم روایت‌شناسی را در ادبیات داستانی معاصر فراهم میکند.

رمانها و داستانهای کوتاه فراوانی برطبق نظریهٔ ژرار ژنت، تحلیل و بررسی شده‌اند و پژوهشهایی در این زمینه انجام یافته که میتوان به مقالهٔ پاشایی با عنوان «بررسی روایت در رمان چشمهایش از دیدگاه ژرارژنت» (۱۳۹۴)؛ «روایت‌شناسی یک داستان کوتاه از هوشنگ گلشیری» نوشتهٔ دزفولیان و مولودی، ۱۳۹۰؛ «درآمدی بر رویکرد روایت‌شناختی، با نگاهی به رمان آینه‌های دردار هوشنگ گلشیری» ابوالفضل حرّی، ۱۳۸۷؛ «نظریهٔ زمان در رمان سووشون از دیدگاه ژرارژنت» شمس‌الحاجیه اردلانی، ۱۳۸۷؛ «روایت‌شناسی منظومهٔ *نشانی* از سهراب سپهری بر

www.SID.ir

Archive of SID

اساس دیدگاه ژرارژنت» اسدالهی، ۱۳۹۳ و «تحلیل زمان روایی از دیدگاه روایت‌شناسی براساس نظریهٔ زمان ژنت در داستان *بی وتن* اثر رضا امیرخانی» نوشتهٔ درودگریان، زمان احمدی و حدادی، ۱۳۹۰ اشاره کرد. اما تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در زمینهٔ «روایت‌شناسی رمان رقصندگان براساس نظریهٔ ژنت» صورت نگرفته است.

بحث و بررسی

خلاصهٔ داستان رقصندگان

داستان رقصندگان دربرگیرندهٔ دو داستان مستقل است که با حادثه‌ای فرعی بهم متصل میشود. فقیری در داستان اول، به سراغ زنی شهرنشین به نام اخترخانم میرود. او میانسال و دارای یک پسر و شوهر مرده بوده که در خانهٔ قدیمی حاج باقر زندگی میکند. حیا خانم همسر حاجی باقر کمتر در خانه بند میشود و اختر را بکار میگمارد و خود به دید و بازدید میرود. فرج پسر اختر هم مشغول کارهای خود است و درنتیجه اختر خانم تنها میماند. او بجز پسرش دلخوشی دیگری ندارد و بشدت به او وابسته است. امیدهایش همه در وجود پسرش خلاصه میشود. فرج بتازگی از سربازی معاف شده است و بدنبال کار میگردد. او جوانی فاسد و خودسر از کار درآمده و به مهربانیهای مادر ارج نمینهد و حتی در مواردی آزارش میدهد، اما بااینحال اختر خانم لب به شکوه بازنمیکند و در همه حال مطیع اوست. از همین رو روزی فرج او را به بهانه‌ای از خانه بیرون و به وساطت بقالی محل به منزل ثروتمندی میبرد و در آنجا معامله‌ای صورت میگیرد که بعداً معلوم میشود موضوع آن، معاملهٔ یکی از کلیه‌های اختر بوده است. بااینحال اختر باز هم بخاطر علاقه به فرج و اینکه میخواهد با پول حاصل از این کار دکه‌ای بزند مخالفتی نمیکند و خود را یکسره در اختیار او قرار میدهد. پس از انجام آزمایشهای اولیه توسط بقالی خبر میرسد که طرف معامله پشیمان شده است و معتقد است اختر زنی خل‌وچل است و کلیه‌اش ممکن است مرد را نیز خل‌وچل کند. فرج در فروش کلیهٔ مادرش موفق نمیشود. اختر خانم که بدلیل انجام آزمایشهای پزشکی به حال ضعف درآمده در خانه به زمین میخورد و سرش از چند جا میشکند و چیزی نمانده است بمیرد. فرج سرخورده از این بدبیاری، این بار تنها قالیچهٔ یادگار پدرش را برای فروش به بازار میبرد و با این معامله موتور گازیش را تبدیل به موتور دنده‌ای میکند و با همین موتور است که پول «باران» را در قسمت بعد میدزدد و میگریزد.

روایت‌شناسی

روایت‌شناسی انقلابی بود که در نتیجهٔ ساختارگرایی در داستان بوجود آمد و «روایت در ساده‌ترین و عامترین بیان، متنی است که قصه‌ای را بیان میکند و قصه‌گویی دارد» (دستور زبان داستان، اخوت: ص ۸) و همچنین «جستجوی فلسفی حقیقت، پیوند میان ادبیات داستانی و روایت را آشکارتر میسازد.» (نظریه‌های روایت، مارتین: ص۱۴۲). اوایل قرن بیستم، بنیانهای پژوهش نظریه‌پردازان روسی، بویژه «ولادیمیر پراپ» ریشه‌های ساختارگرایی در داستان را پرورش داد. پراپ با ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه و تجزیه و تحلیل عناصر داستانی، شیوه‌ای نو در ساختار قصه بوجود آورد که بعدها بنیاد روایت‌شناسی براساس آن پایه‌ریزی شد؛ بنابراین بررسی عناصر درونی متن که بعنوان سازه‌های داستان، ساختار آن را طرح‌ریزی میکند، هدف اصلی نظریهٔ روایت‌شناسی است که «در پانزده سال گذشته جای نظریهٔ رمان را در مطالعه ادبیات گرفته است» (همان: ص ۵). بنابراین «واژهٔ روایتگری اشاره دارد به فرایند ارتباط که در آن فرستنده روایت را در قالب پیام برای گیرنده ارسال میکند و ماهیت کلامی رسانه که پیام را انتقال میدهد» (روایت داستانی بوطیقای معاصر، ریمون کنان: ص۱۰). پس روایت از سویی دیگر با

www.SID.ir

Archive of SID

جامعه در ارتباط است و با برانگیختن احساسات خواننده و تجربیات و الگوهایی که انسان از دنیای اجتماعی بدست می‌آورد، پایه‌های خود را مستحکم میکند.

تاریخچهٔ روایت‌شناسی

ارسطو نخستین گام را در عرصهٔ روایت‌شناسی برداشته است. او در فصل سوم *بوطیقا*، بین بازنمایی موضوع بوسیلهٔ راوی و بازنمایی موضوع بوسیلهٔ شخصیت تفاوت گذاشت؛ در حقیقت او نقل و تعریف سرگذشت (بازنمای راوی) و نشان دادن و بیان محاکات (بازنمایی شخصیت) را از یکدیگر مختلف دانست. دستاورد بازنمایی اول، متن روایی و دستاورد بازنمای دوم، متن نمایشی است. اینگونه بحثها در سده‌های بعد نیز ادامه یافت و به مطالعاتی در پایان سدهٔ ۱۹ و آغاز سدهٔ ۲۰ میلادی انجامید. «واژهٔ روایت‌شناسی را نخستین بار تودوروف مطرح کرد. بعدها مورد توجه روایت‌شناسانی چون چامسکی، بوریس توماشفسکی، ولادیمیر پراپ، کلودبرمن، رولان بارت و ژنت قرار گرفت. روایت‌شناسی در حیطهٔ ادبیات، گرایشهای انتقادی دوران یعنی «واسازی» یا «شالوده‌شکنی»، «فمنیسم» و «روان‌کاوی» را منعکس میکند» (دستور زبان داستان، اخوت: ص ۸).

روایت‌شناسی ژرار ژنت

تأملی در دوره‌های روایت‌شناسی نشان میدهد منتقدان بدنبال تحلیل و بررسی در ساختار داستان، اصول و مباحثی را تحت عنوان نظریه‌های روایت‌شناسی مطرح کردند. از میان آنان «ژرار ژنت» بعنوان روایت‌شناس ساختارگرا، یکی از مباحث روایت‌شناسی در عرصهٔ داستان را بنا کرد. وی «با تقسیم روایت به سطوح مختلف، تمایزی را که فرمالیستهای روسی میان قصه و طرح قائل میشوند پرداخته‌تر میکند. این سه سطح عبارتند از قصه، سخن و گزارش» (درآمدی نقادانه ـ زبان‌شناختی بر روایت، تولان: ص ۱۴۶) که به داستان، روایت و روایتگری نیز شناخته میشود.

۱-داستان: در این بخش رویدادهای روایت‌شده به ترتیبی که واقعاً اتفاق افتاده‌اند، بیان میشود.

۲-نقل یا روایت: همان گفتمان متن یا ترتیب رویدادها در متن است، نه ترتیب و توالی واقعی رویدادها؛

۳- روایتگری: همان عمل روایت کردن و داستانگویی برای مخاطبان است. ژنت در سه ویژگی زیر تعامل این سه سطح روایت را شرح میدهد:

زمان دستوری: منظور از آن آرایش رویدادها در روایت از دیدگاه زمان است که خود با مؤلفه‌هایی همراه است:

ژنت در نظریهٔ زمان روایی خود در تحلیل روایت، زمان را از سه دیدگاه نظم و ترتیب، طول زمانی یا تداوم و تکرار یا بسامد تحلیل میکند. هدف از این پژوهش تحلیل رمان «رقصندگان» امین فقیری براساس نظریهٔ «روایت در زمان» ژرارژنت و بررسی عنصر زمان در این داستان است که طبیعتاً با بسط و توضیح بیشتر جنبه‌های مختلف نظریهٔ ژنت نیز همراه خواهد بود.

نظم و ترتیب

یکی از مسائل مهمی که ژرار ژنت به آن میپردازد، ترتیب زمانی است که به توالی رخدادهای داستان و نظم و آرایش آنها به شیوه‌ای خاص و بر مبنای پیرنگی ویژه گفته میشود. بطور کلی ژنت «تمامی ناهماهنگیها و عدم توازنهای ترتیب زمان داستان و زمان سخن را با عنوان زمان‌پریشی مطرح میکند» (زمان و روایت، قاسمی‌پور: ص

www.SID.ir

Archive of SID

۱۳۱). وی بیان میکند که توالی رخدادهای داستان امری طبیعی است و هرگونه خللی که در چیدمان توالی رخدادها شکل گیرد، زمان‌پریشی نابهنگامی رخ میدهد. این زمان‌پریشی به دو شگرد روایی یعنی گذشته‌نگری و آینده‌نگری ارتباط پیدا میکند.

الف) گذشته‌نگری یا بازگشت به عقب

اینگونه انحراف از زمان تقویمی عبارت است از روایت رویدادی در مقطعی از متن پس از آنکه رخدادهای متأخر روایت شده باشند؛ به عبارت بهتر وقتی نویسنده ازطریق بازگشت به رخدادهای گذشته به خاطرات شخصیت رخنه میکند، متأخرها پیچیدگی و پیشروی روایت را فراهم میسازند و نوعی عقب‌گرد نسبت‌به زمان تقویمی دیده میشود؛ واقعه‌ای که ابتدا روی داده است، بعد روایت میشود. از نظر ژنت، اگر گذشته‌نگری دربارۀ شخصیت، رخداد و خط داستانی که در متن نقل میشود، اطلاعاتی را به خواننده بدهد، «گذشته‌نگری روایت‌آمیز و همانند داستانی» است و اگر دربارۀ شخصیت و رخداد یا خط داستانی دیگر، اطلاعاتی به خواننده بدهد، «گذشته‌نگری روایت‌گریز و متفاوت داستانی» است (زمان روایی در رمان، درودگریان، کوپا و اکبرپور: ص ۱۰).

ب) آینده‌نگری یا یا پیش نگاه

این نوع زمان پرسشی عبارت است از پیش‌بینی رویدادها و پیشی گرفتن از آنها بگونه‌ای که حوادث آینده بیش از موعد منطقی و مقرر خود و پیش از وقوع، روایت شوند؛ «نویسنده مسیر خطی زمان را رها کرده، به بیان چیزهایی میپردازد که براساس حدس و گمان، بعداً رخ خواهد داد» (بررسی زمان در تاریخ بیهقی براساس نظریۀ زمان در روایت، صهبا: ص ۱۰۷). ژنت بر این باور است که هرگونه ایجاد دگرگونی در نظم خطی روایت قادر است روند داستانی را جذابتر کند (عامل زمان در رمان سووشون، اردلانی: ص ۱۷).

تداوم روایت

از نظر ژنت، یکی از مهمترین بخشهای تحلیل زمان روایت، تداوم است. «رابطه بین مدت، یعنی زمانی که رویدادی معین در داستان اتفاق می‌افتد و تعداد صفحاتی از روایت را که به توصیف رویداد میپردازد به خود اختصاص میدهد. «به عبارت دیگر، تداوم، نسبت میان طول مدت زمان داستان و زمان بیان روایت است» (روایت داستانی بوطیقای معاصر، ریمون کنان: ص ۷۳). تداوم در تعیین ضرباهنگ و شتاب داستان بکار میرود. اگر زمان و حجم متن ثابت باشند، به معنای آن است که داستان با شتابی ثابت جریان دارد. اختصاص دادن قسمت بلندی از متن به مدت زمان کوتاه از زندگی شخصیت داستان، موجب شتاب منفی آن و تخصیص دادن قطعۀ کوتاه به مدت زمان بلند، سبب شتاب مثبت داستان میشود. تداوم، نشان میدهد که کدام حادثه قابل گسترش است و کدام واقعه را میتوان حذف کرد. نکته اینجاست که مفهوم دیرش و تداوم زمانی پیچیده‌تر از مفاهیم ترتیب و بسامد زمانی است؛ زیرا گسترۀ زمانی روی دادن واقعی حوادث نسبت‌به حجم متن اختصاص‌یافتۀ همان رویداد، مشکلتر از دیگر موارد است؛ دیرش و طول سخن روایی یا بر مبنای کنش روایتگری آن است یا بر مبنای خوانش آن (زمان و روایت، قاسمی‌پور: ص ۱۳۶).

تکرار یا بسامد

«بسامد، به بیان تعداد رخدادها و رویدادها و همچنین تعداد تکرار و دفعات بیان آنها مربوط است و ژنت بسامد را

www.SID.ir

Archive of SID

به یکی از اشکال زیر معرفی میکند:
۱) روایت مفرد: واقعه‌ای که یک بار رخ میدهد و یک بار نقل میشود.
۲) روایت بازانجام (بازگو): واقعه‌ای که چندین بار رخ میدهد و یک بار نقل میشود.
۳) روایت تکراری (مکرر): واقعه‌ای که یک بار رخ میدهد و چندین بار نقل میشود. تکرار چندبارهٔ یک رویداد میتواند از نظر داستانی دلیل خاصی داشته باشد؛ راوی بیشتر از یک نفر در داستان حضور دارد یا جهت ایجاد توجه و حساسیت نسبت به موضوع از تکرار استفاده میشود» (ساختار و تأویل متن، احمدی: ص ۲۱۶).

انواع زمان

زمان یکی از عناصر اساسی روایت‌شناسی است که به آن هویتی خاص میدهد و موجب تمایز داستان از واقعیت میشود. «اگر زمان در روایت وجود نداشته باشد، محتوای آن داستان هرگز وجود نخواهد داشت، زیرا یکی از سازه‌های اصلی هر روایتی کنش یا اتفاق است که مبتنی بر حرکت و زمان میباشد» (زمان و روایت، قاسمی‌پور: ص ۱۲۶). بطور کلی بیشتر روایت‌شناسان، زمان را جزو جدایی‌ناپذیر روایت میدانند. در واقع مناسبات زمانی یکی از مهمترین عناصر تشکیل‌دهندهٔ ساختار روایی است که سبب ارائهٔ کاربردهای هنری برای جهان داستان به شیوه‌های گوناگون میشود. زمان در داستان، به روابط زمانی بیان داستان و روایت (گزارش) یا داستان و گفتمان (روایت) اشاره دارد؛ بدین معنا که بیشتر رویدادها و حوادث در سطح داستان، بگونه‌ای درک میشوند که گویی در توالی زمان دقیق و در ترتیبی خطی اتفاق می‌افتند. این در حالی است که در سطح روایت با استفاده از تکنیکی هنری، روابط توالی زمان داستان قابل تغییر، تأخیر، تأکید و یا شرح و بسطند. همچنین در این سطح امکان ارائهٔ رویدادها خلاف توالی زمان مستقیم قابل طرح است. «از جمله دیگر امکانات این سطح، بهره‌گیری از تمهیداتی چون رجوع به گذشته، توازی، رجوع به آینده، برای پیچیده کردن روند پیشروی روایت و یا ارائه کردن رویدادهای سادهٔ داستان در الگویی شامل تکرار، حذف، تسریع و یا توقف زمان پیچیده است» (عامل زمان در رمان سووشون، اردلانی: ص ۳).
«یکی از کارکردهای روایت عبارت است از ابداع طرحواره‌ای زمانی برحسب یک طرحوارهٔ زمانی دیگر» (گزیده مقالات روایت، مکوئیلان: ص ۱۴۲). زمان روایی با زمان واقعی، زمان تقویمی یا زمان گاه‌شمار یکسان نیستند و همواره بین خط زمانی داستان و خط زمانی روایت تفاوتی وجود دارد. ژنت برای مفهوم زمان، سه نوع را از یکدیگر متمایز میکند: زمان تقویمی، زمان حسی ـ عاطفی شخصیتها و زمان کل روایت از آغاز تا انجام.

الف) زمان تقویمی

منظور از زمان تقویمی واحدهای ساعت‌شمار و پدیده‌ای است که براثر طلوع و غروب خورشید و گردش فصول بوجود می‌آید؛ زمانی دقیق که قابل اندازه‌گیری است. زمان تقویمی و واقعی بیان‌شده در داستان حقیقت ندارد و تنها ابزاری برای نشان دادن واقعیت داستانی است. «زمان واقعی در داستان تخیلی و ساختگی است و آنگاه که نویسنده قطعه‌ای از زمان واقعی را برای روایت داستانش انتخاب میکند، تمام حوادث را از ابتدا تا انتها روایت نمیکند و برای براساس گزینش روایی، به ذکر پاره‌ای از وقایع که به «پاره‌های طرح» مشهور است، میپردازد» (از نشانه‌های تصویری تا متن، احمدی: ص ۲۷۴).

www.SID.ir

Archive of SID

ب) زمان حسی ـ عاطفی شخصیتها

این نوع از زمان همان زمان تقویمی است که متناسب با سختیها و شادیهای همراه با آن، طولانیتر یا کوتاهتر از مقدار حقیقی خود، احساس میشود. به عبارت دیگر، زمان حسی ـ عاطفی زمانی است که به شیوه‌های کاملاً متفاوت با حالات روانی ما پیش میرود؛ بدین معنا که «وقتی خواهان گذشتن سریع آن هستیم، مثل اوقاتی که حال‌وهوای روحی ما مناسب نیست، غمگین یا منتظریم، زمان با لجاجتی خاص بکندی پیش میرود و حتی گاهی بازمی‌ایستد و برعکس، هنگامی که در اوج لذت و شادی هستیم یا غرق در کارهای دلخواه، بتندی سپری میشود» (راهنمای داستان‌نویسی، میرصادقی: ص ۳۳۸). دو نوع مهم این نوع زمان با نامهای «زمان تک‌گویی درونی» و «زمان روانشناسانه» شناخته میشود.

زمان تک‌گویی درونی

«تک‌گویی درونی سخنانی است که توسط یکی از شخصیتهای داستان بوسیلهٔ سخن گفتن با خود مطرح میشود و در داستان بطور عمده، از زاویهٔ دید اول شخص بصورت نوشتار ظاهر میشود» (روایت داستان، فلکی: ص ۴۳). زمان تک‌گویی درونی «زمان خودگویه‌هایی است که در ذهن شخصیت شکل میگیرد» (بررسی زمان در تاریخ بیهقی براساس نظریه زمان در روایت، صهبا: ص ۹۹). به بیان دیگر، در تک‌گویی درونی، شخصیت داستانی با خود از رویدادها و حوادثی سخن میگوید که اگر این رویدادها در بیرون رخ دهد شاید چند ساعت را به خود اختصاص دهد، در یک لحظه در اندیشهٔ شخص سیر میکند.

زمان روانشناسانه

زمان روانشناسانه از احساسات و عواطف شخصیتهایی تأثیر میپذیرد که زمان بر آنها میگذرد و «همان زمان بیرونی است که در درون شخصیت، تحت تأثیر عواطف، کوتاهتر یا بلندتر از زمان بیرونی احساس میشود» (همان: ص۱۰۰). اکنون با توجه به آنچه در نظریهٔ ژنت بیان شد، سه سطح روایی داستان و مؤلفه‌های موجود در این سطوح بررسی میشود تا سازوکار روایی آن مشخص گردد.

نظم و ترتیب در داستان رقصندگان

رخدادهای زمان گذشته

در رمان رقصندگان، ما شاهد زمان اصلی «گذشته» در روایات هستیم؛ زمان گذشته زمان پایهٔ روایت است. ابتدای داستان که اخترخانم وارد میشود، شاهد چند مورد گذشته‌نگری کوتاه هستیم و به این وسیله نویسنده، خواننده را با فضا و شرایط روحی و روانی شخصیتهای داستانش آشنا میسازد و آنها را درک میکند. با اینکه گذشته‌نگریها از بسامد بالایی برخوردار نیستند، در پیشبرد آشنایی خواننده با آرزوهای ناکام و مرور خاطرات گذشتهٔ شخصیتهای داستان مؤثر هستند: «یاد دوران کودکیش دوباره زنده شد. چه بازیها که با این سه مرد - سه بچه نکرده بود و چقدر که سر بدنبال هم گذاشته بودند. از این کوه به آن کوه و آن وقتها که اسب زیاد بود چه مسابقات مهیجی که با هم نمیگذاشتند...» (رقصندگان، فقیری: ص ۱۴۶).

آدمهای دنیای فقیری در موقعیتی ناامیدکننده قرار دارند و برای گریز از شرایط کنونی با یادآوری خاطرات گذشته به نوعی دچار بیخیالی و بیفکری میشوند. گذشته‌نگریها، روایت‌آمیز هستند و دربارهٔ شخصیت و رخداد درون

www.SID.ir

Archive of SID

داستان سخن میگویند و چون مربوط به زمانی پیش از آغاز داستان روایت شده‌اند، گذشته‌نگری بیرونی هستند. در واقع نویسنده یا راوی در جای جای داستان، هر جا که کمبودی احساس کرده، چیزی که علاقهٔ زیاد به آن داشته، اکنون در کنار خود احساس نمیکند، با گریز به گذشته و مرور آن عطش خود را سیراب میکند. اختر خانم در گوشهٔ عزلت و تنهایی به یاد پیشنهاد «خانم حیا» می‌افتد. «خانم حیا زن حاج باقر گاهی وقتها در گوشش میخواند که میشود صیغه هم رفت. «خانم حیا» حیا نمیکرد و مرتب میگفت، طوری وصف میکرد که انگار خودش همین حالا صیغه شده است. آن قدر وراجی میکرد که...» (همان: ص۴).

این گذشته‌نگری روایت‌آمیز از نوع گذشته‌نگری درونی است و پس از آغاز اولین روایت در داستان مطرح شده است.

رخدادهای زمان آینده

آینده‌نگریها نیز در رمان بصورت مطرح کردن آرزوها و تمایلاتی است ناشی از سرخوردگی شرایط و وضع نابسامان طبیعی که بر سر آنها فرورفته و در قالب دعا تجلی پیدا میکند.

«باران خسته نالید: ان‌شاءالله که باران میبارد و شما به بدشانسی من گرفتار نخواهید شد» (همان: ص ۱۵۶).

«هرکس رو میبینی یه آرزوهایی برای خودش داره، دلش میخواد شب عروسیش بوی پلو و دود نیمسوز تو کوچه بپیچه، یه دامب و دوبی راه بیفته یه تور عروسی بندازه رو سرش» (همان: ص ۳۴)و

به نظر ژرار ژنت آینده‌نگری یا تقدم موجد نوعی تعلیق در داستان است. مخاطب را درگیر این سؤال میکند که این رویداد چگونه اتفاق خواهد افتاد؟ راوی در این داستان از آینده‌نگریها جهت پیگیری روایتها و ایجاد اشتیاق نزد خواننده و علاقه به ادامهٔ ماجرا استفاده میکند. خوانندهٔ این سطور در داستان، مدام بدنبال آن خواهد بود که آیا اختر خانم فرج را داماد خواهد کرد؟ و یا آیا باران خواهد بارید؟

تداوم و استمرار

دومین رابطه‌ای که ژنت از مقوله‌های زمان روایت بررسی میکند، تداوم و دیرش زمانی است. به رابطهٔ بین زمانی که یک رویداد در دنیای واقعی به درازا کشیده و زمانی که به واقع طول میکشد تا آن رویداد در دنیای روایی روایت شود، گفته میشود. رمان رقصندگان سیصد صفحه دارد و به چهار بخش تقسیم شده است: بخش اول (زندگی اختر خانم)، بخش دوم (باران) قسمتی طولانیتر نزدیک صد صفحه و بخش سوم چهل‌وهشت صفحه (زندگی بهمن پسر باران) و پایان داستان سی‌وشش صفحه و تلاقی فصول گذشته با یکدیگر، نقطهٔ اوج داستان و نتیجه‌گیری است. ماجرا مربوط به اواخر پاییز است و اینکه در چه سالی است، معلوم نیست؟! اما اشاره‌های کم‌وبیش نویسنده به موضوعات کوپن و اجناس کوپن و مزار شهیدان، بیانگر این موضوع است که داستان مربوط به بعد از انقلاب است و احتمالاً پس از آغاز جنگ تحمیلی اتفاق می‌افتد؛ اما کل زمانی که داستان را دربر میگیرد چیزی بیشتر از یکی دو ماه نیست. شاید نتوان آن را بصورت رمان به معنی فنی کلمه دانست؛ بخصوص اینکه دو داستان با یکدیگر پیوند تنگاتنگ و پیوسته ندارند و بخشهای بعدی مکمل بخشهای قبلی نیستند و وقفهٔ طولانی در سیر داستان پیش می‌آید. خواننده تا به سراغ اختر خانم میرود، بی هیچ دلیل قانعی داستان «باران» آغاز میشود و تنها رشتهٔ پیوند دو داستان دزدی پول باران توسط «فرج» پسر اختر خانم است.

www.SID.ir

Archive of SID

فقیری در داستان «رقصندگان» از شتاب منفی با بسامد بالایی استفاده کرده است. این شتاب در داستان، معلول عوامل مختلفی است از جمله: توصیف جمله‌ها، تشبیهات زیبا، ترسیم مظاهر انسان‌نما، خودگویی و حدیث نفس، فقر و تنهایی، مکثهای توضیحی و توصیفی که نیازی به شرح و بیان آنها نیست؛ در این داستان فاصلهٔ زمانی نزدیک شدن باران به سیاه‌چادرها و تصمیم به ذبح گوسفندان حدود هشت صفحه به طول می‌انجامد؛ یا جمع کردن اسباب جهت کوچ از صبح زود تا ۱۱ ظهر نوزده صفحه را به خود اختصاص میدهد، شرح دلتنگیها و افکار مالیخولیایی اختر خانم و درددل او با کله‌سنگی و مرد سرخ‌پوست تمام صفحات فصل اول رمان را درپی میگیرد. نویسنده ریزترین ماجراها را، که گاه نیازی به گفتن آنها نبوده است، برای خواننده به تصویر میکشاند. برخی موارد که باعث شتاب منفی در داستان شده است به شرح زیر است:

توصیفات طولانی

نویسنده ضمن روایت کردن سیر حوادث داستان، به توصیفاتی از ذبح گوسفندان، چهرهٔ ظاهری اسب و تفنگ و... میپردازد و خواننده را متوجهٔ گذر زمان نمیکند و خودبخود بین حوادث و مدت زمان روایت آن فاصله میفتد. برای نمونه:

۱) ذبح گوسفندان: فقیری در داستان رقصندگان، در چند جای متعدد، سر بریدن گوسفندان را در اثر بی آبی و تشنگی شرح میکند و نزدیک به چهار صفحه به طول و تفصیل اجزا و چگونگی آن میپردازد. «اولین گوسفند را که سر به خاک نهاده بود نشان کرد. لحظه‌ای بعد صورت گوسفند را رو به قبله کشاند. کارد را به دهان گرفت. دندان را روی تیغه کارد فشار داد. خم شد. دو فک گوسفند را از هم باز کرد و آب ناز، کمی آب در دهانش ریخت. تا آب ناز تصمیم گرفت که پای گوسفند را بگیرد، خون گرم فواره زده بود روی خاک. خاک دهان را باز کرده و خون گرم را میمکید» (رقصندگان، فقیری: ص ۱۱۳).

۲- توصیف تریشهٔ ارغوانی رنگ: آدمهای سادهٔ داستان برای رهایی از خشکسالی به یک تکه پارچه متوسل میشوند و... «تریشهٔ ارغوانی رنگ از چادر آورده بود به یکی از شاخه‌های بید کُنار گره زد. به هر شاخه تکه‌پارچه‌های شرنده و پوسیده و خاک‌گرفته آویزان بود» (همان: ص ۱۳۱). این تشریح از پارچه، نزدیک به چهار صفحه از رمان را به خود اختصاص داده که خود باعث شتاب منفی در داستان میشود.

۳- توصیف چهرهٔ ظاهری: فقیری به توصیف چهرهٔ ظاهری قهرمانان داستان اهمیت خاصی میدهد. زمان را متوقف میکند تا خواننده مانند تماشاگری چهرهٔ آدمها را در ذهن تصور کند. «سی و پنج سالی داشت. کوتاه و درشت‌هیکل بود. مچهای دستش کلفت و عجیب مینمود. کله‌اش بزرگ بود. فقط چشمها در صورتش نمود داشت وگرنه از پوست صورت گندمگونش هیچ نمیشد فهمید» (همان: ص ۱۵۱).

۴- تکرار و تأکید به صرف چای: فقیری در داستان به شرح صرف کردن چای، چای آوردن، چای با بخار کمرنگ توجه خاص میکند: «چای برایت آوردم. باران بدون هیچ صحبتی چای را گرفت. اشکان در دستهای بزرگش چقدر کوچک مینمود. قند را به چای تماس داد. چای دوید درون قند. قبل از اینکه قند از هم بپاشد آن را در دهان گذاشت» (همان: ص ۱۶۰).

۵-اسب و تفنگ برنو، نماد قهرمانی و وجود ایلیاتی: «اسب نفس‌نفس میزد. پوست تیره‌اش خیس از عرق شده بود. یالهایش از شدت عرق درهم‌تنیده و بهم چسبیده بود. گویی صدای ضربان قلبش را میشنید. اسب میتواند با آدم حرف بزند. اسب رفیق آدم است. اگر تفنگ برنو هم باشد که دیگر اسب و سوار بینیازند» (همان: ص ۱۶۸).

www.SID.ir

Archive of SID

نویسنده همواره تأکید دارد که ایلیاتی با اسب و تفنگ ایلیاتی است. «دیگر چه چیز از ایلیاتی مانده است. تفنگ که ندارد، اسب که ندارد» (همان: ص ۱۶۸).

۶- تصویرآفرینی شب و استفاده از سیاهی و تاریکی آن در فضاآفرینی نویسنده در داستان چشمگیر است. «بیرون حتماً شب و تاریکی همه چیز را خفه کرده است. ستاره‌ها مرده و دفن شده‌اند. سرد است. استخوان به رنج می‌آید. باران نباریده است» (همان: ص ۹۳). توصیف زیبایی رخساره زن باران، چشمان سیاه و موی مشکین عزیزه، خارهای خشک، نرمه خاک زیر پای گوسفندان، مسلول بودن آقای حیدری، ضجه و ناله بجای آواز پرندگان، توصیف آسمان و نگاه او، بازی لفظی بین باران و «باران» مرد ایلیاتی، توصیف پاییز و صدای شیون دسته‌جمعی برگها، تک‌گوییهای درونی اختر خانم با کله‌سنگی و مرد سرخ‌پوست، استواری کوه محمد حنفیه و بسیاری نمونه‌های دیگر در این داستان، متن را آنقدر طولانی میکنند که شرح دادن یک‌به‌یک آنها خود مجال رمان دیگر است. زمان در داستان متوقف میشود و صفحه‌ها به کمک مکثهای توضیحی و توصیفی از شگردهای تداوم و استمرار ادامه پیدا میکند. از عللهای شتاب منفی در داستان ایجاد انگیزۀ انتظار و هیجان برای خواننده است.

مظاهر انسان‌نمایی در داستان

در رمان فقیری کوه، اسب پدر، اشکی سگ گله و گوسفندان که با نگاه ملتمس خود مانند آدمیزاد رفتار میکنند، همۀ مظاهر انسان‌نمایی هستند که راوی در سطور داستان به تکرار درجهت توجه خوانندۀ آنها را به میدان روایت میکشاند «اشکی سگ گله سرش را روی دو دست گذاشته و به گله محزون نگاه میکرد» (همان: ص ۱۲۳)، نیز (ر.ک: همان: ص ۱۳۱و ۱۳۹). کوه مثل انسان «کنار دستش بغ کرده و طلبکار افتاده بود» (همان: ص ۱۷۵).

راوی در بخش اعظمی از داستان برای کند کردن سرعت روایت و شتاب منفی، از عنصر دیالوگ و گفتگو بیشتر از عناصر دیگر بهره میبرد. دیالوگ بهترین شکل صحنه نمایشی بحساب می‌آید که در آن زمان داستان و زمان روایت تقریباً برابر است. فقیری نمایشنامه‌نویس قادری است که با پیاده کردن یک صحنۀ نمایشی در داستان اجازه میدهد شخصیتها خود پا به میدان بگذارند. «از دیدگاه «ژرار ژنت» دیالوگ (گفتگو) است که هر واژه از متن، متناظر با یک واژه از داستان است» (درآمدی نقادانه ـ زبان‌شناختی بر روایت، تولان: ص ۵۵).

«سه مرد بدقت باران را مینگریستند.

برزو گفت: حالا چه تصمیم داری؟

باران گفت: فکرهایم را کرده‌ام.

خداخواست گفت: لابد قصد نداری فکرت را برای ما بگویی.

باران گفت: گفتن ندارد. اگر تو بودی که آذوقه تمام کرده بودی و چیزی نداشتی به این زبان‌بسته‌ها بدهی چکار میکردی؟

خانجان گفت: کار از گوشه‌کنایه گذشته است. اگر تو فردا بروی من باید هفت هشت روز دیگر بردم. برزو دو روز بعد از من باید بار کند. بهتر است که، مرگ یک بار شیون یک بار. این زبان‌بسته‌ها جلوِ چشمانت نیستند.

باران گفت: بعد هم به خاک سیاه» (رقصندگان، فقیری: ص ۱۴۵). و این گفتگو تا چند صفحه ادامه پیدا میکند.

تکرار و بسامد

مفهوم بسامد روایی عبارت است از رابطۀ بین تعداد دفعاتی که یک رخداد در داستان اتفاق می‌افتد و تعداد دفعاتی که در روایت نقل میشود. بین این توانایهای بازگویی در رخدادهای نقل‌شدۀ داستان، نظامی از مناسبات ایجاد

www.SID.ir

Archive of SID

میشود.

بسامد مفرد: متداولترین نوع بسامد است که در آن رخدادی را که یک بار اتفاق افتاده است، یک بار روایت کنند. همچنین روایت چندبارهٔ رویدادی را که چند بار اتفاق افتاده باشد، از نوع بسامد مفرد بشمار می‌آید؛ زیرا هر یک بار روایت متناظر با یک بار رخ دادن آن در داستان است.

بطور کلی در روایت «رقصندگان» همانند اکثر داستانها، بسیاری از رخدادها در ذیل بسامد مفرد قرار میگیرند. اما آشکارترین نمونه‌ها را میتوانیم در بخش اول رمان یعنی زندگی «اختر خانم» ببینیم که راوی به تشریح کیفیت زندگی او در منزل «حاج باقر» میپردازد. همچنین روایت چندبارهٔ دردودل کردن اخترخانم با کله‌سنگی و مرد سرخ‌پوست که چند بار اتفاق افتاده، نیز نگاههای ملتمس آدمها به آسمان و امیدواری به نزول رحمت الهی، کوه محمد حنفیه بعنوان پناهگاه مذهبی و خوراک کاه و جاشیر از تعلقات ذهنی آدمهای داستان، از مکرراتی است که خواننده را کنجکاو میکند تا در ادامهٔ داستان به نتایج این مشاهدات دست یابد و نهایتاً گره‌گشای داستان باشد. این تکرارها برای اهمیت نشان دادن موضوع است و از بسامد بالایی برخوردار است و باعث پررنگ شدن داستان و نیز تفحص و جستجو همراه با شخصیتها میشود. ماجرای کشته شدن اسکندر در مرداب، طلاق عزیزه همسر جهانگیر، فروش فرش یادگار پدری نیز از بسامدهای مفرد داستان است.

«اینطورکه میگفتند «اسکندر» پسر بندعلی کلاس پنجم بوده که اکنون هیولا او را قاب زده بود. هر کس چیزی میگفت. همه از طریقهٔ بیرون آوردن پسر بندعلی و مرد افغانی حرف میزدند...» (رقصندگان، فقیری: ص ۲۲۶).

بسامد بازگو

واقعه‌ای که چندین بار رخ میدهد و یک بار نقل میشود. فقیری از چنین روشی اغلب برای نشان دادن خصوصیات اخلاقی و رفتاری شخصیتهای داستانیش بهره میگیرد. وی در ترسیم تنهایی اختر خانم و محبت اهل محل به او میگوید: «به همه‌جای بازارچه مثل کف دست آشنا بود. رفت‌وآمد در طول سالیان دراز باعث میشد که غربت را در آن منطقه احساس نکند. خانم اختر به همه سلام میکرد. تمامی اهالی محل از چندوچون کار خانم اختر با اطلاع بودند. همه او را دوست داشتند. دوست‌داشتنی که همراه با دلسوزی بود. اما فرج زیاد در محل آفتابی نمیشد. دوست و آشنا زیاد داشت ولی از یکی دو سال پیش دیگر توی بازارچه پلاس نمیشد. میرفت و به مادر منتظر هم هیچ نمیگفت» (همان: ص ۱۸).

فقیری، در رندی و زیرکی مش صدرا برای شست‌وشوی دستشوییها (همان: ص ۲۱۲)، تقلب در آماده کردن ساندویچ مدرسه (همان: ص ۲۵۳)، توهین و تحقیر بهمن (همان: ص ۲۳۴) و رخدادهایی که چندان اهمیتی ندارد، از این شیوهٔ بسامد استفاده میکند.

بسامد مکرر

اگر رخدادی را که فقط یک بار اتفاق افتاده باشد، چند بار روایت کنند، بسامد مکرر خواهد بود؛ «یک رویداد ممکن است از زبان اشخاص مختلف و از دیدگاههای مختلف گفته شود یا از زبان یک شخص اما در زمانهای مختلف روایت شود» (زمان روایی در رمان، درودگریان، کوپا و اکبرپور: ص ۱۶). اشاره چندبارهٔ راوی به بدقدم بودن بیژن، کینه‌ای بودن باران، دغدغه‌های ذهنی بهمن برای رفتن به توالت، دزدی پول باران، حرف زدن اختر خانم با گنجشکها و... از ماجراهایی است که در آنها از روش بسامد مکرر استفاده شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

انواع زمان روایت در رمان رقصندگان

الف) زمان تقویمی: این نوع زمان در رمان رقصندگان بشکل دقیق و مشخص نشده است؛ اما با توجه به نشانه‌هایی که دلالت بر زمان وقوع رخدادها دارند و نیز اشارهٔ مستقیم نویسنده در بخشی از روایت، میتوان واحد زمانی این رمان را تقریباً اواخر پاییز و اوایل زمستان در حدود یکی الی دو ماه دانست.

ب) زمان حسی ـ عاطفی شخصیتها: این زمان بیشتر در روایتهای ذهنی شخصیتها و روایتهای مبتنی بر تداعی نمود مییابد. دو نوع مهم این نوع زمان را با نامهای «زمان روانشناسانه»، «زمان تک‌گویی درونی» نام بردیم.

-زمان روانشناسانه: امین فقیری در رمان رقصندگان از این شگرد زمانی برای بتصویر کشیدن حالات عاطفی قسمتهای داستانش بخوبی بهره گرفته است. هنگامی که اختر خانم در اتاق تنهایی خودش بسر میبرد و فرج چند روزی است به منزل نیامده «ناگهان احساس کرد هیچ پشتیبان و پناهی ندارد. انگار در خلأ میرقصد. بدون هیچ نظارگی؛ آبی تلخ از گلویش پایین رفت. در کجای زمان پرت مانده بود. خواست بلند شود و فریاد بکشد. اما همانند سگی فقط زوزه کشید. به همه چیز چنگ زد با ناامیدی سر در گریبان فروبرد و فریاد کشید «فرج». حالتی شبیه مالیخولیا داشت. اشباحی بطور مداوم از جلو چشمانش عبور میکردند» (رقصندگان، فقیری: ص ۱۳). اختر خانم، زمان را ایستا میپندارد؛ درحالیکه زمان در حال سپری شدن است و ساعتها از پی هم میگذرند.

فقیری برای نشان دادن بیتابی و دل‌نگرانیهای اختر خانم، از زمان روانشناسانه برای بیان این آشفتگی بزیبایی بهره میگیرد: «چشمانش از وحشت میخواست از جا کنده شود. اگر صورتش را از زیر چادر بیرون نیاورد، چشمانش نیز ذوب خواهد شد. صورتش گر گرفته است. «بازنمیگردد بازنمیگردد» در کوچه هم در این فکر بود. دو شب است که به خانه نیامده است. اما حتماً برمیگردد میدانم که من چقدر تنها و بیکسم...» (همان: ص ۲۱).

-زمان تک‌گویی درونی: همانطورکه پیش از این ذکر شد، تک‌گویی درونی سخنانی است که توسط یکی از شخصیتهای داستان بوسیلهٔ سخن گفتن با خود طرح میشود. این ویژگی در سراسر رمان بتکرار و بوضوح آمده است. «میخوام هیچی رو قبول نکنم، اما انگار یکی دست میذاره گُردهٔ شونه‌هام و منو خم میکنه. میگه بدبخت بکش تو لابد تحملشو داری. مردم نمیدونن که من هرچی درد و مرض دارم می‌آم به تو میگم اینه که دلم خالی میشه. تو جای من یک شب تا صبح فریاد میکشی اونوقت من آماده میشم برای یک هفته درد کشیدن، غم که روی دلم تلنبار شد، می‌آم پهلوی تو، چه میدونم کله‌سنگی... پیشونی‌نوشت من اینه دیگه. دلم میخواد به قضاوقدر تن بدم....» (همان: ص ۷۴) و (همان: ص ۲۵۱).

گاهی اوقات نویسنده از این شیوه برای شناساندن شخصیت داستان و نیز روابط بین شخصیتها سود میجوید: «باید روی نام مش صدرا... قلم قرمز کشید. اصلاً او کثیفتر از این است که تقاضای او را بپذیرد. تازه اگر قبول کند از فردایش وامیدارد مستراحها را لیس بزند. از نگاهش هم متنفر است. مثل اینکه از رگ و پی آدم عبور میکند و افکار آدم را میخواند. آدم خودش را در مقابل او بیپناه و لخت احساس میکند... مش صدرا... پیش چشمش سیاه شده است...» (همان: ص ۲۵۳).

مطالعه در ساختار و فرم آثار ادبی زمینهٔ گسترش شیوه‌های رشد معنایی در آثار داستانی را فراهم کرده است. داستانها و قصص که بخش اعظمی از آثار را تشکیل میدهند، در ساختار خود شیوه‌ها و علوم مختلف معنایی را خلق میکنند. نوشتار حاضر رمان رقصندگان را از منظر روایت‌شناسی ژرار ژنت بررسی و تحلیل کرد. حاصل آنکه در این داستان، روایت و روایتگری و عناصری مانند نظم، ترتیب، تداوم و زمان در بخشهایی از داستان وجود دارد و در مواردی نیز عناصر با قدری تفاوت، روایت داستان را تا پایان ادامه میدهند.

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه‌گیری

امین فقیری با استفاده از تکنیکهای روایی از گزارش صرف وقایع، به ارائۀ داستانی زنده، پویا، جذاب و هیجان‌انگیز دست یافته است. زمان در رمان رقصندگان به سه دستۀ گذشته، حال و آینده تقسیم میشود. ازجمله ویژگیهای متن حاضر این است که نویسنده با وجود خطی بودن زمان، از زمان گذشته استفاده کرده و داستان را از حالت یکنواخت بودن گزارش حوادث خارج کرده است. استفاده از زمان حسی ـ عاطفی در جای‌جای رمان و متناسب با موقعیتهایی که شخصیتهای داستان در آن قرار میگیرند، چشمگیر است. در رمان رقصندگان نویسنده حجم زیادی را به نمایش این شگرد زمانی اختصاص داده است؛ زمان حسی ـ عاطفی که به تک‌گویی درونی و زمان روانشناسانه تقسیم میشود بسامدی درخور توجه در این رمان دارد.

این نویسنده، در رمان «رقصندگان» به شیوۀ رئالیستی به بیان روایت میپردازد. واقع‌گرایی عنصر غالب کارهای اوست که جدای از عناصر داستانی نقش بسزایی در روند آثارش تا به امروز داشته است. در این داستان، راوی با دیدگاه سوم شخص دانای کل، با درهم ریختن زمان در روایت، خواننده را با روایتی از آدمها، مکانها و اتفاقها همراه میکند و رخدادها را به نمایش میگذارد. وی با استفاده از تکنیکهای هنری، روابط توالی داستان را درهم میریزد، به تأخیر می‌اندازد یا سرعت میبخشد. زمان‌پریشیهای نویسنده، گذشته‌نگری و بصورت روایت‌آمیز است. راوی با استفاده از شگردهای تداوم از جمله مکثهای توضیحی و ایجاد دیالوگ و صحنه، کم و زیاد کردن سرعت روایت و نیز الگوی تکرار و توصیف و توقف زمانی و ترکیب آنها با یکدیگر روایت را به سمت‌وسوی شتاب منفی میبرد. قسمت زیادی از متن به مدت‌زمان کوتاهی از زندگی شخصیتها اختصاص دارد و این فرآیند، میزان اهمیت رخدادهای نویسنده را نشان میدهد.

استفاده از هر سه نوع بسامد یعنی بسامد مفرد، مکرر و بازگو در رمان، از جمله شیوه‌هایی است که مؤلف در نگارش رمان بکار گرفته است و با بیشترین تکرار نوع بسامد مفرد از نوع چند بار اتفاق و چند بار روایت سعی در نشان دادن اهمیت موضوع داشته است. اهمیت تکرار در این حوادث و رویدادها بر خواننده و راوی قابل تأمل است؛ این تکرارها و تأکیدها جهت نشان دادن اهمیت موضوع و توجه راوی بر زاویۀ دید بیرونی بر کنشها و عملکردهای شخصیت داستان است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر استخراج شده است. سرکار خانم دکتر شمس الحاجیه اردلانی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مریم گلشن به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر سیدجعفر حمیدی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این

www.SID.ir

Archive of SID

پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

Ahmadi, Babak. (2005). From Visual Signs to Text (Towards Visual Communication Semiotics), edition 5, Tehran: Markaz Publishing, p.274.

Ahmadi, Babak. (2009). Text Structure and Interpretation, Tehran: Markaz Publishing, p.216.

Ardalani, Shams Al-Hajiyeh. (2008). The factor of time in the novel Suvashun, *Language and Literature*, Vol. 10, pp. 9-35.

Droudgarian, Farhad, Koopa, Fatemeh and Akbarpour, Soheila. (2012). Fiction Studies, Vol. 2, pp. 5-17.

Faghiri, Amin. (2002). Dancers, Tehran: Sarva.

Falaki, Mahmoud. (2003). Storytelling (Basic Theories of Fiction), Tehran: Bazetabnegar, p.43.

Ghasemipour, Ghodrat. (2008). Time and Narration, *Journal of Literary Criticism*, Vol. Pp. 123-144.

Hori, Abolfazl. (2008). An Introduction to the Narrative Approach to Narrative Story, with a look at Houshang Golshiri's novel Mirrors with Doors, *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tabriz, Vol. 208, pp. 53-78.

Martin, Ralas. (2010). Narrative Theories, translated by Mohammad Shahba, Tehran: Hermes, p.142.

McQuillan, Martin. (2006). Excerpts from Narrative Articles, translated by Fattah Mohammadi, Tehran: Mino-ye Kherad, p.142.

Mirsadeghi, Jamal. (2008) Story Writing Guide, Tehran: Sokhan, p.338.

Okhovat, Ahmad. (1992). Grammar of the story, Isfahan: Farda, p.8.

Raymond-Kenan, Shlomit. (2008). A Narrative of Contemporary Poetics, translated by Abolfazl Hori, Tehran: Niloufar, p. 10, 73.

Sahba, Forough. (2008). Study of time in the history of Bayhaqi based on the theory of time in narration, *Literary Research*, Vol. 21, pp. 89-112.

Sojudi, Forouzan. (2006). Applied Semiotics, translated by Farzaneh Taheri, edition 2, Tehran: Markaz Publishing. P.72.

Tolan, Michael J. (2004) A Critical-Linguistic Introduction to Narration, translated by Abolfazl Hori, Tehran: Niloufar, p.55, 146.

فهرست منابع

از نشانه‌های تصویری تا متن (بسوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری)، احمدی، بابک (۱۳۸۴) چاپ ۵، تهران: نشر مرکز.

www.SID.ir

Archive of SID

بررسی زمان در تاریخ بیهقی براساس نظریهٔ زمان در روایت، صهبا، فروغ (۱۳۸۷) پژوهشهای ادبی، شمارهٔ ۲۱، صص ۸۹-۱۱۲.

درآمدی بر رویکرد روایت‌شناختی به داستان روایی، با نگاهی به رمان آینه‌های دردار هوشنگ گلشیری، حری، ابوالفضل (۱۳۸۷) نشریهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شمارهٔ ۲۰۸، صص ۵۳-۷۸.

درآمدی نقادانه ـ زبان‌شناختی بر روایت، تولان، مایکل جی (۱۳۸۳) ترجمهٔ ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.

دستور زبان داستان، اخوت، احمد (۱۳۷۱) اصفهان: فردا.

راهنمای داستان‌نویسی، میرصادقی، جمال (۱۳۸۷) تهران: سخن.

رقصندگان، فقیری، امین (۱۳۸۱) تهران: سروا.

روایت داستان، فلکی، محمود (۱۳۸۲) (تئوریهای پایه‌ای داستان‌نویسی)، تهران: بازتاب نگار.

روایت داستانی بوطیقای معاصر، ریمون–کنان، شلومیت (۱۳۸۷) ترجمهٔ ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.

زمان روایی در رمان احتمالاً گم شده‌ام براساس نظریهٔ ژرارژنت، درودگریان، فرهاد؛ کوپا، فاطمه و اکبرپور، سهیلا (۱۳۹۱) مطالعات داستانی، شمارهٔ ۲، صص ۵-۱۷.

زمان و روایت، قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۷) مجلهٔ نقد ادبی، شمارهٔ ۱، صص ۱۲۳-۱۴۴.

ساختار و تأویل متن، احمدی، بابک (۱۳۸۸) تهران: نشر مرکز.

عامل زمان در رمان سووشون، اردلانی، شمس‌الحاجیه (۱۳۸۷) زبان و ادبیات، شمارهٔ ۱۰، صص ۹-۳۵.

گزیده مقالات روایت، مکوئیلان، مارتین (۱۳۸۵) ترجمهٔ فتاح محمدی، تهران: مینوی خرد.

نشانه‌شناسی کاربردی، سجودی، فروزان (۱۳۸۵) ترجمهٔ فرزانه طاهری، چاپ ۲، تهران: نشر مرکز.

نظریه‌های روایت، مارتین، رالاس (۱۳۸۹) ترجمهٔ محمد شهبا، تهران: هرمس.

معرفی نویسندگان

مریم گلشن: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
(Email: *golshanmaral@gmail.com*)

شمس الحاجیه اردلانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
(Email: *sh ardalani_@yahoo.com* نویسنده مسئول:)

سیدجعفر حمیدی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
(Email:)

COPYRIGHTS
©2021 The author(s). This is an poen access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Maryam Golshan: PhD student in Persian language and literature, Bushehr branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
(Email: *golshanmaral@gmail.com*)

Shams Alhajieh Ardalani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
(Email: *sh ardalani_@yahoo.com* نویسنده مسئول:)

Seyed Jafar Hamidi: Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
(Email:)

www.SID.ir